



## نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام

دکتر سیدعباس احمدی\* - استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
کمال رنجبری - دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
عبدالله شریفی - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۲۹

### چکیده

جهان اسلام یکی از مناطق حساس و استراتژیک در نظام ژئوپلیتیک در سطح کروی است. ذخایر عظیم انرژی، دریاها و راه‌های ارتباطی و همچنین وسعت گسترده و جمعیت زیاد آن، این منطقه را به منطقه‌ای کانونی در معادلات سیاسی و ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است. در جهان اسلام فرصت‌های گوناگونی وجود دارد به طوری که همگرایی در جهان اسلام این پتانسیل را دارد که ساختار قدرت جهانی را با تغییرات بنیادی مواجه کند. علی‌رغم وجود ظرفیت‌های گسترده انسانی و طبیعی بحران‌های ژئوپلیتیکی در منطقه جهان اسلام تأثیرات مخربی بر توسعه پایدار و امنیت پایدار در این منطقه داشته است به طوری که بحران‌های ژئوپلیتیکی مانع اصلی همگرایی در بین کشورها در جهان اسلام بوده‌اند. این بحران‌ها باعث شده‌اند که ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای جهان اسلام شکوفا نشوند و همچنین کشورها مشغول مسائل امنیتی و حاشیه‌ای و کشمکش‌های سیاسی باشند. با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه لذا نقش قدرت‌های جهانی در بحران‌های ژئوپلیتیکی این منطقه مشهود است. این پژوهش با ماهیت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به نقش قدرت‌های جهانی در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام پرداخته است. نتایج پژوهش نشانگر آن است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر اساس اهداف، استراتژی‌ها و منافع خود در ابعاد ژئواکونومیک، ژئوکالچر و هیدروپلیتیکی جهان اسلام باعث تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی شده‌اند.

کلید واژگان: بحران ژئوپلیتیکی، جهان اسلام، قدرت‌های فرامنطقه‌ای.

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

جهان دارای از هم گسیختگی فضایی و جغرافیایی است به طوری که امروزه منطقه‌گرایی با توجه به پیوستگی‌های جغرافیایی و فرهنگی به یک اصل در جهان سیاسی تبدیل شده است و معادلات سیاسی را تحت تأثیر خود قرار داده است. مناطق و فضاهاى جغرافیایی بر اساس نیازهای مشترک اقتصادی و امنیتی و با توجه به ساختارها و کارکردهای منطقه به سمت همگرایی و همکاری سوق پیدا کرده‌اند و توانسته‌اند منطقه خود را به سمت توسعه و امنیت پایدار سوق دهند. نمونه برجسته موفقیت منطقه‌گرایی در اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا روشن است. یکی از مناطق حساس و استراتژیک در معادلات ساختار هرم قدرت جهان اسلام به طور اعم و خاورمیانه به طور اخص است.

پارامترهای انسانی و طبیعی این منطقه را به یک منطقه حساس تبدیل کرده است. اهمیت استراتژیک خاورمیانه و جهان اسلام در محتویات انسانی و طبیعی آن است. این منطقه سرشار از انرژی فسیلی و هم‌چنین گذرگاهی برای ارتباطات بین مناطق کره زمین است. از طرف دیگر وجود جمعیت فراوان و غنای فرهنگی اهمیت این منطقه را بالا برده است. به طوری که این منطقه همواره نقش تعیین‌کننده را در وضعیت نظام ژئوپلیتیک جهانی ایفا کرده است. علی‌رغم وجود تشابهات زیاد در جهان اسلام برای ایجاد یک سازمان منطقه‌ای منسجم اما این منطقه یکی از مناطق پرتنش جهان محسوب می‌شود. از یک سو جمعیت زیاد و غنای فرهنگی و از سوی دیگر منابع سرشار انرژی فرصت‌های بی‌شماری را برای این منطقه به همراه آورده است اما بحران‌های ژئوپلیتیکی مانع اصلی ایجاد همگرایی بوده‌اند.

بحران‌های ژئوپلیتیکی در جهان اسلام دارای ماهیتی پویا هستند و از متغیرهای زیادی از جمله نقش قدرت‌های جهانی در منطقه تأثیر می‌پذیرند. پایداری این بحران‌ها باعث شده است که به راحتی این بحران‌ها حل و فصل نگردند. تأثیر قدرت‌های جهانی در منطقه جهان اسلام بر اساس منافع و استراتژی‌های خودشان بصورت عینی و ذهنی نمایان است. قدرت‌های جهانی بعد از کشف منابع انرژی در منطقه همواره حضور داشته‌اند و پدیده‌های سیاسی اقتصادی جهان اسلام را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. اهمیت این پژوهش در این است که

روشن سازد نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام چگونه است. در صورت مشخص شدن نقش قدرت‌های جهانی در جهان اسلام می‌توان بازی‌های ژئوپلیتیکی را تفسیر و در راستای منافع جهان اسلام بر اساس همکاری و دیپلماسی گام‌های موثرتری برداشت. سؤال اصلی تحقیق این است که نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام چیست؟

## ۲. مفاهیم بنیادی

**ژئوپلیتیک:** در فرهنگ وبستر در خصوص تعریف ژئوپلیتیک آورده شده که، ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی و جمعیتی و اقتصادی بر سیاست به ویژه سیاست خارجی کشورها است. ژئوپلیتیسین آمریکایی کوهن معتقد است که ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط فضای جغرافیایی با سیاست که تأثیر دوجانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد (Cohen, 1994:17). اتوتایل، فضاسازی سیاست‌های بین‌المللی به وسیله مراکز قدرت و حکومت‌های سلطه‌گر را ژئوپلیتیک می‌داند (Thuatail, 1996:45). در حالی که جان اگنیو مطالعه تأثیر جغرافیا بر روابط بین‌ملتها را ذکر می‌کند (Agnew, 1998:15). محقق برجسته بریتانیایی پیتیر تیلور<sup>۱</sup> نیز مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان به‌ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی را عمده‌ترین وظیفه ژئوپلیتیک می‌داند (Hafeznia, 2017:41). گراهام فولر<sup>۲</sup> ژئوپلیتیک را بخشی از یک فن قدیمی می‌داند که در حقیقت کلاسیک خود، بر جغرافیا به عنوان عامل تعیین‌کننده رفتار حکومت تأکید می‌کند. دانشنامه آکسفورد تعریف زیر را ارائه می‌دهد: ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه چگونگی تأثیرپذیری سیاست‌ها از عوامل جغرافیایی (Hafeznia, 2017:39).

**بحران ژئوپلیتیکی:** بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی- فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف دارند و از لحاظ کارکردی موجب خروج

1. Piter Taylor

2. Graham Fuller

سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان‌ها می‌شوند. بحران ژئوپلیتیکی دارای ویژگی‌های زیر است:

موضوع و عامل بحران، کنترل، مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است، از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به سادگی قابل حل نیست، بحران ژئوپلیتیکی دیرپا ولی بحران سیاسی زودگذر و قابل حل است.

در بحران ژئوپلیتیکی الگوی مداخله‌ای چند سطحی شکل می‌گیرد که شامل سطح محلی، سطح منطقه‌ای، سطح فرامنطقه‌ای، سطح جهانی و کروی، سطح سازه‌ای سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی می‌شود (Hafeznia, 2017: 147).

عوامل یاد شده (بحران) عبارت‌اند از: مسیر ترانزیتی کشور محصور در خشکی، تغییر خط مستقیم آب در مرز، تغییر مسیر رودخانه مرزی، خط منصف دریاچه مرزی، کنترل سرچشمه رودخانه، گروه اقلیت خارج از کشور، گروه اقلیت مستقر در مرز مشترک، کوچ‌نشینان، جدایی‌طلبی اقلیت‌های داخلی، ذخایر و مکان دارای کارکرد بین‌المللی، پتانسیل تهدید در حاشیه ماورای مرز نظیر مجاورت پایتخت با مرز مشترک، منابع معدنی اعم از راهبردی و انرژی و باروری مصنوعی ابرها. بحران ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به سادگی قابل حل و برطرف شدن نیست؛ زیرا موضوع بحران و کشمکش، ارزش‌هایی جغرافیایی هستند که در زمره منافع ملی و جمعی محسوب می‌شوند. به عبارتی آحاد ملت یا گروه متشکل انسانی، از آن‌ها درک منفعت جمعی و ملی دارند؛ بنابراین قابل چشم‌پوشی نیستند و مصالحه درباره آن‌ها به‌سختی انجام می‌گیرد. حکومت‌ها نیز در مذاکرات دو یا چندجانبه خود با دشواری روبه‌رو هستند و نگرانی دارند که اگر در چارچوب کسب رضایت ملی، بحران را حل و فصل نکنند، به خیانت یا بی‌کفایتی متهم شوند و مشروعیت و مقبولیت خود را بین ملت خود از دست بدهند و از قدرت سیاسی ساقط شوند. به همین دلیل حکومت‌ها و دولت‌ها جریان مذاکره را به تعویق می‌اندازند تا فرصت مناسب برای حل آن به نحوی که متضمن تأمین منافع ملی باشد فراهم آید یا در صورت ضرورت ترک قدرت سیاسی، آن را به عهده دولت بعدی بگذارند و به عبارتی توپ را به میدان رقیب سیاسی خود اندازند.

کشمکش‌های مرزی و تعیین خطوط مرزی؛ بحران‌های فضایی - قومی نظیر کردستان، کشمیر، باسک و ایرلند؛ بحران‌های مکان‌های مذهبی نظیر مسجد بامری، بیت‌المقدس؛ بحران‌های ذخایر زیرزمینی مشترک؛ بحران جزایر از جمله بحران‌های ژئوپلیتیکی دیرپا محسوب می‌شوند.

**ژئوکالچر:** اصطلاح علمی ژئوکالچر از دو واژه ژئو (Geo) به معنی زمین و کالچر (culture) به معنی فرهنگ تشکیل یافته است. وجود پیشوند ژئو در اصطلاح ژئوکالچر، به طبیعت واحد، یکپارچه و به هم پیوسته سیاره زمین اشاره می‌کند. پس تحلیل ژئوکالچر مستلزم برخورداری از یک نگرش جهانی به فرآیندهای فرهنگی است (Heidari, 2008: 149). مطرح شدن «ژئوکالچر» نتیجه بالا گرفتن ایده‌های دهه (۱۹۷۰م) ساموئل هانتینگتون درباره برخورد تمدن‌ها در ایالات متحده آمریکا است. به گمان؛ آغاز دوران اثرگذاری تفاوت‌های تمدنی فرهنگی، بر شکل‌گیری‌های سیاسی جهان در رقابت‌های قدرتی جدید، مفهوم‌پردازی ژئوکالچر مطرح شد (Mojtahedzadeh, 2012: 57). به طور کلی فرهنگ امروزه در اشکال مختلف در سیاست ملی و در سیاست‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کند. از این رو نظریه‌های «برخورد تمدن‌ها» یا «گفتگوی تمدن‌ها» خود منعکس‌کننده نقش‌آفرینی فرهنگ در روابط و مناسبات ابناء بشر و خلق الگوهای جنگ و عداوت، یا صلح و دوستی بین آن‌ها است (Hafeznia, 2017: 177).

امروزه معقوله فرهنگ و نفوذ فرهنگی به یکی از ابزارهای تضعیف و تحکیم کشورها تبدیل شده است و نقش گروه‌های قومی مذهبی در این بعد از سیاست جهت تضعیف رقیب در بین کشورها خیلی برجسته است.

**ژئواکونومیک:** ژئواکونومی مطالعه جنبه‌های سیاسی و فضایی اقتصاد و منابع است. ژئواکونومی شاخه‌ای از ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی است که سیاست و منابع و اقتصاد را باهم بررسی می‌کند. ادوارد لوتواک در سال (۱۹۹۰م) الگوی ژئواکونومی را با مفهومی گسترده به روابط بین‌الملل و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل‌های بین‌المللی وارد کرد. به عقیده وی، عامل منازعات و درگیری‌های قرن آینده دیگر همان موضوع‌های قرن گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی و چالشی در فضاهای جغرافیایی عاملی اقتصادی خودنمایی می‌کند (Iuttwak, 1990: 89) در همین رابطه، بعضی متفکران ظهور رویکرد ژئواکونومیک در رقابت با

قدرت‌های بزرگ را جنگ اقتصادی تعبیر کرده‌اند. سردمداران قدرت‌های غربی معتقدند با پویایی جریان‌های ژئواکونومیک در جهان، مرکز قدرت اقتصادی محافظت خواهد شد و همچنین سیستم اقتصادی جهان هم نظمی خواهد گرفت. رهیافت ژئواکونومی در سیاست تجاری کشورهای غربی کاملاً مشهود است و آن تلاش برای جذب بازارها و کسب جلوداری قدرت اقتصادی در دنیا یا منطقه است. بسیاری معتقدند که قدرت جهانی قرن بیست و یکم قدرتی اقتصادی است که می‌تواند در جریان جهانی‌شدن و از طریق رویکرد ژئواکونومیک اقتصاد خود را پویا نگه دارد، اما در عین حال پویایی اقتصاد نیاز انکارناپذیری به انرژی دارد، پس آن قدرتی برتر است که بر منابع تولید، مصرف و انتقال انرژی نقش مؤثری داشته باشد و شاید به این دلیل است که خاورمیانه همواره در سیاست خارجی آمریکا تأثیر مهمی داشته است. بنابراین، ژئواکونومیک رویکردی در تحلیل مسائل بین‌المللی، به‌ویژه رقابت حکومت‌های بزرگ در مناطق حساس جهان است؛ که در آن به جغرافیا، قدرت و اقتصاد در تعامل با یکدیگر توجه می‌شود. ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک یا در برابر ژئوپلیتیک نیست، بلکه جزئی از قلمرو دانش ژئوپلیتیک است (Hafeznia, 2017: 73). به همین دلیل، ژئواکونومی را باید به همراه بحث ژئوپلیتیک مطرح کرد. در اینجا اقتصاد انگیزه‌ای برای رقابت‌های قدرتی است و آنجا که ژئوپلیتیک شرایط اقتصادی را مشخص می‌کند، جنبه ژئواکونومیک می‌گیرد (Mojtahedzadeh, 2012: 118).

**هیدروپلیتیک:** هیدروپلیتیک به مطالعه‌ی نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعی انسان‌ها و دولت‌ها می‌پردازد اعم از اینکه داخل کشورها یا در سطح منطقه‌ای، جهانی یا بین‌المللی باشد (Hafeznia et al, 2002: 201).

برخی از محققان معتقدند که تاریخ بشر به تعبیری جنگ بر سر منابع بوده است. کاهش منابع طبیعی از جمله آب به دلیل پیامدهای اکولوژیک و تأثیر این پدیده در بقای ارگانیک جمعیت کشور بسیار قابل توجه است (Nami, 2011: 61).

مشترک بودن رودخانه‌های بین‌المللی بین کشورهای مختلف، وابستگی کشورهای پایین‌دست رودخانه‌های بین‌المللی به کشورهای بالادست، کمبود ذخایر آب شیرین، تخلیه، آلوده و شور

شدن آب‌ها در اثر فعالیت‌های اقتصادی از جمله بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام به حساب می‌آید. بررسی بحران‌های پیش‌روی ناشی از کمبود منابع آب، شاخه‌ای از علم جغرافیای سیاسی است که هیدروپلیتیک نامیده می‌شود. به عبارتی دیگر هیدروپلیتیک از جمله زیر مجموعه‌های علوم جغرافیای سیاسی می‌باشد که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد، نوع برهم‌کنش میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد و معمولاً در رویکردهای مختلف درباره‌ی هیدروپلیتیک روی عواملی مانند درگیری و همکاری بازیگری دولت‌ها و حضور در حوضه‌های آبریز بین‌المللی تأکید می‌شود (Nami, 2011: 62). معمولاً در رویکردهای مختلف در خصوص هیدروپلیتیک بر روی عواملی مانند درگیری و همکاری، بازیگری دولت‌ها و حضور در حوضه‌های آبریز بین‌المللی تأکید می‌شود. اما مایسنر<sup>۱</sup> در تعریف خود از هیدروپلیتیک آن را مطالعه سیستماتیک روابط میان دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و سایر عناصر نهادهای فرادولتی درباره استفاده انحصاری از آب‌های بین‌المللی می‌داند. این تعریف بر موارد زیر تأکید دارد: ۱. بررسی ارتباط متقابل میان بازیگران دولتی و غیردولتی؛ ۲. تأکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون کشورها؛ ۳. تلاش در جهت استفاده انحصاری از آب؛ ۴. اعمال حاکمیت‌های گوناگون بر روی رودهایی که هم جنبه ملی دارند و هم بین‌المللی. بنابراین هیدروپلیتیک؛ یعنی از مناقشه یا تعامل بین دو فرد بر سر آب شروع می‌شود و تا سطح ملی و بین‌المللی ادامه می‌یابد.

### ۳. محیط‌شناسی

جهان اسلام دربرگیرنده‌ی محدوده‌ی وسیعی است که از ساحل غربی اقیانوس اطلس در آمریکای جنوبی تا حد سواحل غربی اقیانوس آرام در قاره‌ی آسیا را در بر گرفته است. این وسعتی که کشورهای اسلامی را در خود جای داده است، از نظر موقعیت جغرافیایی و گستردگی طولی و عرضی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده، حدود ۲۲ درصد از مجموع

1. Meissner

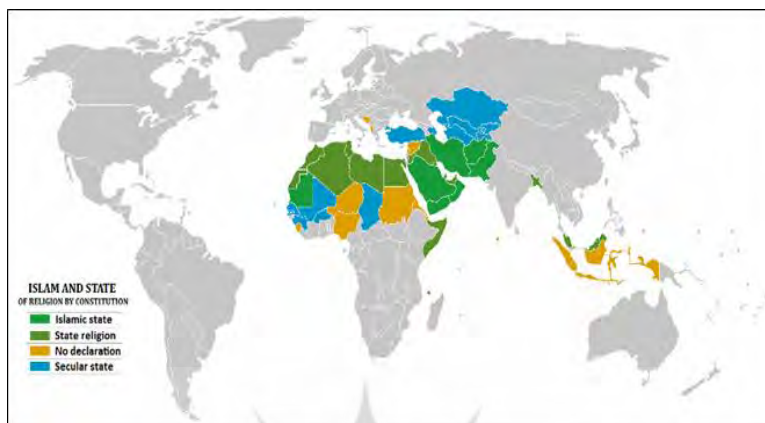
خشکی‌های جهان را دربر می‌گیرد و بخش‌های وسیعی از دو قاره‌ی آسیا و آفریقا و بخش‌های کوچکی از قاره‌ی اروپا و آمریکا را شامل می‌شود. خشکی، کم‌آبی، دمای نسبتاً زیاد، شوری خاک و تنوع محیط جغرافیایی از جمله ویژگی‌های سرزمین‌های جهان اسلام است. به طوری که بخش عظیمی از قلمروی جهان اسلام را سرزمین‌های بیابانی خشک با پوشش نباتی ناچیز که ناشی از حداقل ریزش‌های جوی است تشکیل می‌دهد. فرسایش بادی، بر این سرزمین‌های بیابانی حداکثر تأثیرات خود را بر جای گذاشته و چهره‌ی بیابان‌ها را با امواج شن و ماسه از شکلی به شکل دیگر در می‌آورد.

سرزمین‌های اسلامی بین ۶۱ درجه‌ی طول غربی (از نصف‌النهار گرینویچ) و ۱۳۰ درجه‌ی طول شرقی و نیز بین ۲۵ درجه‌ی عرض جنوبی و ۵۵ درجه‌ی شمالی از خط استوا قرار گرفته‌اند. غربی‌ترین کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی کشور گویان در قاره‌ی آمریکا و شمال آمریکای جنوبی و شرقی‌ترین آن کشور اندونزی واقع در جنوب شرق آسیاست. شمالی‌ترین کشور قزاقستان واقع در آسیای مرکزی و جنوبی‌ترین کشور اسلامی موزامبیک در جنوب قاره‌ی آفریقا است. خط استوا که محدوده‌ی کشورهای اسلامی را به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم کرده است، به طور مستقیم از کشورهای اندونزی، سومالی، اوگاندا و گابن می‌گذرد که در شرایط اقلیمی این کشورها بسیار مؤثر است. در میان کشورهای جهان اسلام اندونزی، مالدیو و کومور موقعیت مجمع‌الجزایر دارند و کشورهای قطر و بحرین از موقعیت شبه جزیره و جزیره‌ای برخوردارند و کشورهای نظیر افغانستان، بورکینافاسو، چاد و مالی در خشکی محصور بوده و به دریا راه ندارند.

بین شرقی‌ترین و غربی‌ترین حد جهان اسلام حدود ۱۳ ساعت اختلاف زمان وجود دارد. برخی از پژوهشگران جهان اسلام را به سه منطقه‌ی غربی، شرقی و مرکزی تقسیم‌بندی می‌کنند. کشورهای اسلامی شمال و غرب آفریقا تحت عنوان منطقه‌ی غربی، کشورهای مستقر در جنوب و جنوب شرق آسیا و آسیای مرکزی تحت عنوان مجموعه‌ی شرقی جهان اسلام و کشورهای واقع در خاورمیانه تحت عنوان بخش مرکزی جهان اسلام محسوب می‌شوند. اساس این تقسیم‌بندی ممکن است به لحاظ بحران‌ها و مشکلات اصلی جهان اسلام یا اهمیت بخش



مرکزی بوده باشد.



شکل (۱): نقشه جهان اسلام؛ کشورهای با حکومت اسلامی و غیراسلامی

(Source: www.farhangnews.com)

کل جهان اسلام با وسعتی بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع حدود ۲۲ درصد مساحت خشکی‌های کره‌ی زمین را دربر می‌گیرد که بدنه‌ی اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس و شمال آفریقا تا خاورمیانه‌ی اسلامی، آسیای مرکزی، جنوب‌غربی آسیا، بخش بزرگی از هند، تمام بنگلادش و کشورهای جنوب‌شرق آسیا و در حقیقت بخش عمده‌ای از قاره‌ی آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا را شامل می‌شود. از یک دیدگاه مجموعه‌ی ۵۷ کشور اسلامی که به طور رسمی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند به سه گروه: کشورهای آسیایی (جنوبی، جنوب‌شرقی و مرکزی) با مساحت حدود ۹/۵ میلیون کیلومتر مربع، کشورهای آفریقایی با ۶/۸ میلیون کیلومتر مربع و گروه کشورهای عربی با ۱۴ میلیون کیلومتر مربع تقسیم می‌شوند. کل مساحت جهان اسلام حدود سه برابر قاره‌ی اروپا و نزدیک چهار برابر وسعت قاره‌ی اقیانوسیه است که این وسعت و موقعیت نسبی و ریاضی از منظر جغرافیای سیاسی و دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی حائز اهمیت است. بر اساس آمارهای سازمان ملل و برخی منابع دیگر، در سال ۲۰۱۵ میلادی، جمعیت جهان از مرز ۷ میلیارد نفر گذشته است. حدود بیست درصد از جمعیت جهان یعنی ۱/۲ میلیارد نفر را مسلمانان تشکیل می‌دهند. بیش‌تر مسلمانان در شرق آسیا: به ویژه در پاکستان، هندوستان، بنگلادش، مالزی و اندونزی زندگی می‌کنند. اندونزی،

پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی است. در میان مسلمانان حدود ۱۰ درصد، یعنی مطابق با آمارهای موجود تقریباً ۱۲۰ میلیون نفر شیعه هستند.

#### ۴. روش تحقیق

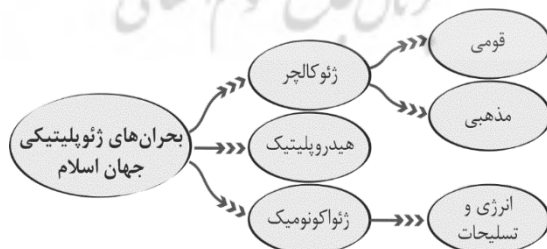
این پژوهش با ماهیت توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر اینترنتی درصدد تبیین و بررسی نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام است. در این تحقیق با استفاده از شناسایی منابع کتابخانه‌ها و دسته‌بندی منابع نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام برجسته شده است تا با شناسایی نقش این قدرت‌ها و اهداف آن‌ها در منطقه زمینه برای همگرایی کشورهای اسلامی هموار گردد.

#### ۵. یافته‌های پژوهش

##### ۵-۱. بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام

جهان اسلام یکی از مناطق بحران‌خیز در سطح جهان محسوب می‌شود. تنش‌های سیاسی امنیتی در این منطقه تأثیرات ژرفی را بر ساختار قدرت در سطح جهان داشته است. جهان اسلام بحران‌های متنوعی دارد. در ابتدا این منطقه با توجه به اینکه کانون ظهور ادیان جهان بوده است لذا دارای پیچیدگی‌های گسترده فرهنگی است. تنوع قومی مذهبی در این منطقه باعث شده است که تنش‌ها در سطوح فرومی، ملی و منطقه‌ای مشهود باشد اختلافات قومی و مذهبی موجودیت ساختارهای سیاسی جهان اسلام را با مخاطره مواجه کرده است. در ابعاد قومی جغرافیای این منطقه محل زیست اقوام و نژادهای متنوعی است. در خاورمیانه و جهان اسلام اقوام عرب، آریایی، ترک‌ها و سایر اقوام موجود زیست می‌کنند. تنوع‌های فرهنگی این اقوام باعث شده است که این منطقه به سمت رقابت‌های فرهنگی سوق پیدا کند و هر کدام از اقوام در راستای قلمروسازی برای فرهنگ و آداب و رسوم خود گام بردارند. در بعد مذهبی قلمرو جهان اسلام بین دو گروه مذهبی شیعی و سنی تقسیم شده است. یکی دیگر از بحران‌های ساختاری در جهان اسلام مشکلات مربوط به حوضه‌های آبی مشترک و رودخانه‌های مرزی مشترک و هم‌چنین پدیده گرد و غبار است. با توجه به اینکه منطقه جهان

اسلام جزء مناطق خشک محسوب می‌شود و هم‌چنین رودخانه‌های مرزی و حوضه‌های آبریز از مرزهای سیاسی پیروی نمی‌کنند، لذا آب‌های مشترک زمینه را برای ایجاد کشمکش و مشکلات مربوط به آب هموار می‌سازد به طوری که مسائل هیدروپلیتیکی این پتانسیل را دارد که به عنوان یک بحران ژئوپلیتیکی چالش‌های جهان اسلام را بیش‌تر کند. امروزه مشکلات کم‌آبی و گرد و غبار به یک معضل سیاسی امنیتی در بین کشورهای جهان اسلام تبدیل شده است و هر لحظه امکان فعال شدن این بحران‌ها وجود دارد که نمونه برجسته آن بین کشورهای عراق، سوریه و ترکیه است. یکی دیگر از بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام مسائل مربوط به ژئواکونومیک است. رقابت برای فروش نفت در بین کشورهای نفت‌خیز اسلامی مانع ایجاد همکاری‌های اقتصادی شده است و از طرف دیگر منابع انرژی مشترک در نواحی مرزی و میزان بهره‌برداری کشورها از آن یکی دیگر از بحران‌های ژئواکونومیک جهان اسلام است. قدرت‌های جهانی بحران‌ها و تنش‌های موجود در مناطق حساس جهان از جمله در خاورمیانه و جهان اسلام را برای تأمین منافع خود بکار می‌برند. بحران‌های قومی- مذهبی و به‌طور کلی بحران ژئوکالچر، بحران‌های ژئواکونومیک و رقابت‌های اقتصادی بین قدرت‌های منطقه‌ای و بحران‌های آبی در جهان اسلام با توجه به مشکلات آب زمینه را برای حضور و نفوذ قدرت‌های جهانی فراهم کرده است و این قدرت‌ها با تشدید بحران‌ها در حال بهره‌برداری از منابع این منطقه بوده و مانع همگرایی منطقه شده‌اند. به‌طوری که امروزه مشاهده می‌شود که با تشدید حضور نظامی و اقتصادی قدرت‌های جهانی این منطقه روز به روز ابعاد تازه‌ای از هم‌گسیختگی فضایی را به خود گرفته و این بحران‌ها در حال گسترش هستند.



شکل (۲): بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام



## ۵-۲. نقش قدرت‌های جهانی در ژئواکونومیک جهان اسلام

جهان اسلام و منطقه خاورمیانه از دو بعد از منظر ژئواکونومیک دارای اهمیت فراوان هستند. منابع سرشار انرژی و نفت و گاز باعث شده است که این منطقه به تنهایی درصد زیادی از مصرف انرژی جهان را تأمین کند. لذا چگونگی حضور و کنترل منابع انرژی این منطقه توسط قدرت‌های جهانی، ساختار هرم قدرت در جهان ژئواکونومیک را تعیین می‌کند از سوی دیگر موقعیت گذرگاهی این منطقه باعث شده است که این منطقه به عنوان دروازه‌های اتصال دهنده مناطق جهان ایفای نقش کند. لوله‌های انرژی و مسیرهای انتقال کالا در این منطقه از بعد ژئواکونومیک منطقه را به یکی از مناطق حساس تبدیل کرده است. کنترل منابع انرژی و هم‌چنین گذرگاه‌های انتقال کالا و انرژی جزء اهداف استراتژیک قدرت‌های جهانی محسوب می‌شود. بنابر آمار و ارقام موثق پیش، ۴۰ درصد نفت صادراتی و ۷۵ درصد ذخایر نفت کشف شده در جهان در اختیار کشورهای اسلامی است. هم‌چنین بنابر آمار مسلم دیگری، کل ذخایر کشف شده نفت جهان برابر با ۱۲۵۸ میلیارد بشکه می‌باشد که بیش از یک دوم آن؛ یعنی ۷۱۶

میلیارد بشکه آن تنها در اختیار پنج کشور عربی اسلامی خاورمیانه قرار دارد؛ یعنی کویت، عربستان، عراق، امارات متحده و ایران است.

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که منابع هیدروکربنی تا سال ۲۰۵۰ هم‌چنان مهم‌ترین و عمده‌ترین منبع تأمین انرژی باقی خواهند ماند. و امکان جایگزینی برای منابع انرژی هیدروکربنی هزینه‌بر خواهد بود (Mortazavi and Alikarami, 2014:673).

نیاز قدرت‌های جهانی به منابع انرژی روز به روز در حال افزایش است لذا قدرت‌های جهانی تصرف منابع ارزان انرژی در جهان اسلام را جزء استراتژی‌های بلندمدت خود می‌دانند. نفت و منابع انرژی برای غرب مسئله مرگ و زندگی است به طوری که اگر این قدرت‌ها به منابع ارزان انرژی در منطقه جهان اسلام دسترسی نداشته باشند، ساختار هرم قدرت در جهان دچار دگرگونی و تغییرات اساسی خواهد شد. قدرت‌های غربی برای جلوگیری از همگرایی در جهان اسلام و دسترسی آسان به منابع انرژی روز به روز حضور خود را در جهان اسلام پررنگ‌تر کرده‌اند. قدرت‌های جهانی برای تصرف منابع انرژی از ابزارهای مختلفی استفاده کرده‌اند. نهادهای رسمی بین‌المللی کمک زیادی به این قدرت‌ها برای دستیابی به منابع انرژی کرده است. قدرت‌های جهانی نهادهایی از جمله سازمان ملل متحد و شورای امنیت را برای این هدف بکار گرفته‌اند. ابزار تحریم امروزه به یکی از ابزارهایی برای جلوگیری از ایجاد اتحاد منطقه‌ای و تشدید تنش‌های منطقه‌ای و رقابت‌های ناسازگار تبدیل شده است. نمونه روشن آن تحریم‌های غرب و ایالات متحده آمریکا بر ضد ایران است. از سوی دیگر با سیاست‌های غیررسمی این قدرت‌ها، تنش‌های منطقه‌ای را تشدید کرده‌اند تا بتوانند به اهداف ژئواکونومیکی خود دست یابند. جنگ عراق، سوریه و پدیده تروریسم در این مقوله معنا پیدا می‌کند. این قدرت‌ها با تضعیف ساختارهای سیاسی منطقه و در صورت لزوم با حمله نظامی به بهانه‌های غیرمنطقی اهداف خود را در منطقه دنبال کرده‌اند.

نمونه برجسته این وضعیت پدیده داعش بود. پدیده داعش سبب شد که حکومت‌های ملی عراق و سوریه تضعیف شده و با درگیر کردن مردم با پدیده جنگ و مسائل امنیتی از یک سو منابع انرژی را به آسانی بدست آوردند و از سوی دیگر با تسلیح کردن گروه‌های قومی و

مذهبی در صدد فروش تسلیحات نظامی خود برآمده‌اند تا بتوانند در یک معامله کالا به کالا منابع انرژی منطقه را در ازای فروش تسلیحات تصرف کنند. جهان اسلام به بازاری خوب برای فروش تسلیحات غرب تبدیل شده است.

**عربستان سعودی:** تجهیزات خریداری شده توسط این کشور عبارتند از: ۸۴ فروند هواپیمای جنگنده پیشرفته تهاجمی F15SG به ارزش ۳۰ میلیارد دلار از ایالات متحده که یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای تسلیحاتی در نوع خود به شمار می‌آید. جنگنده‌های مذکور طی ده سال آینده به نیروی هوایی سعودی تحویل خواهند شد؛ ۷۲ فروند هلیکوپتر UH60 بلک هاوک از آمریکا؛ بهینه سازی ۱۵۰ فروند از جت‌های جنگنده F15 موجود در نیروی هوایی سلطنتی سعودی توسط کمپانی‌های آمریکایی؛ قراردادی چهل میلیون دلاری با شرکت لاکهید مارتین آمریکا برای خرید غلاف‌های حاوی سیستم‌های الکترونیکی هدف‌گیری پیشرفته جهت نصب بر روی جنگنده بمب افکن‌های F15؛ و امضای قراردادی ۱/۹ میلیارد دلاری با فرانسه برای خرید موشک‌های کروز ساخت شرکت MBDA.

**قطر:** امضای قراردادی برای خرید موشک‌های ضدکشتی MM40 اگزوسه بلوک ۳ از فرانسه برای تقویت قدرت آتش نیروی دریایی خود. کارشناسان تسلیحاتی موشک مذکور را پیشرفته‌ترین نوع از خانواده موشک اگزوسه به شمار می‌آورند که قطر قصد دارد ناوچه‌ها و قایق‌های سریع و کوچک خود را به آن مجهز کند. موشک‌های مذکور دارای فناوری جدیدی بوده و قابلیت‌های بیش‌تری نسبت به مدل‌های قدیمی‌تر دارند.

**کویت:** قراردادها و تجهیزات نظامی خریداری شده از سوی این کشور عبارتند از: امضای قراردادی برای خرید هشت تا ده فروند هواپیمای چندمنظوره حمل‌ونقل و سوخت رسان هوایی (تانکر) KC130J به همراه تجهیزات جانبی آن به ارزش ۸/۱ میلیارد دلار از سوی آمریکا. این هواپیماها هم‌چنین توانایی حمل‌ونقل و سوخت‌رسانی هوایی کویت را نیز ارتقا می‌بخشند. جنگنده‌های کویتی با استفاده از امکان سوخت‌گیری از این هواپیماها برد عملیاتی بیش‌تری خواهند یافت؛ امضای قرارداد خرید ۲۰۹ فروند موشک پیشرفته ضد موشک از نوع MIM104E پاتریوت (GEMT) به ارزش ۹۰۰ میلیون دلار از آمریکا برای مقابله با تهدیدات

هوایی و موشکی علیه این کشور؛ و بررسی خرید جنگنده‌های F15 از نوع «سایلنت ایگل» ساخت شرکت بوئینگ که شکلی «رادارگریز» (استیلت) دارند.

عراق: تجهیزات خریداری شده توسط عراق: ۲۴ فروند جت آموزشی هاوک به ارزش بیش از یک میلیارد پوند از انگلستان که بزرگترین قرارداد فروش سلاح برای بریتانیا در بیست سال گذشته می‌باشد؛ خرید ۱۴۰ دستگاه تانک آبرامز<sup>۳</sup> از ایالات متحده (www.tisri.org). این آمار و ارقام تنها بخشی از فروش تسلیحاتی غرب به عنوان نمونه آورده شده است و با نگاهی موشکافانه به آمار و ارقام موجود، اهداف قدرت‌های جهانی در منطقه کاملاً آشکار می‌شود تا از طریق تنش‌آفرینی و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی در زمینه وضعیت ژئواکونومیک منطقه، ضمن بدست آوردن آسان منابع انرژی، جهان اسلام را به بازاری مطمئن برای فروش تسلیحات خود تبدیل کنند. به فروش رساندن این حجم از تسلیحات و بدست آوردن سودهای کلان از طریق تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی در منطقه بدست می‌آید. لذا نقش قدرت‌های جهانی در وضعیت ژئواکونومیک منطقه برای ایجاد رقابت و دوری از همکاری بین قدرت‌های منطقه‌ای کاملاً آشکار است.

### ۳-۵. نقش قدرت‌های جهانی در ژئوکالچر جهان اسلام

شبکه منطقه‌ای جهان اسلام از لحاظ درونی، به‌رغم کیش مشترک (اسلام) با نبود همبستگی ساختار ژئوکالچری (فرهنگی، قومیتی، زبانی و مذهبی) روبه‌رو است که این چالش، مایه تداخل شبکه‌های ژئوکالچری واحدهای نیرومند شبکه جهان اسلام شده است. با توجه به فرهنگ دینی حاکم بر جهان اسلام، برجسته‌ترین شکاف به هویت‌های مذهبی مربوط است. به طور کلی، دو خوشه اصلی ژئوکالچری یعنی شیعه و سنی در جهان اسلام وجود دارند که با توجه به قرائت‌های متفاوت، هریک دارای زیرشاخه‌هایی هستند؛ اهل تسنن اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند که زیرخوشه‌های اصلی آن‌ها حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی هستند و از خاور آسیا تا شمال آفریقا مستقرند. انشقاق میان مذاهب اسلامی

---

1.Silent Eagle

2.Abrams

با رحلت پیامبر اسلام شکل گرفت. دینامیک ژئوکالچری جهان اسلام را بایستی در این انشقاق جستجو کرد. امروزه، ایران، مرجع جهان تشیع است و قدرت کانونی آن محسوب می‌شود؛ در این راستا مرجعیت مصر بر الازهر و نقش علمای مصری در رهبری جریان‌های فکری جهان عرب و به ویژه نقش اخوان المسلمین در این کشور سبب شده تا قاهره از سهمی بسزا در جریان‌های فرهنگی جهان عرب بهره‌مند باشد و جایگاهی مهم در ژئوکالچر شبکه منطقه‌ای جهان اسلام داشته باشد.

پیدایش اسلام در عربستان و وجود حرمین شریفین در عربستان، جایگاهی برتر را در میان کشورهای اسلامی به این کشور اعطا کرده است که همواره به عنوان یکی از برجسته‌ترین قطب‌های جهان اسلام شمرده می‌شود. پادشاهی سعودی همواره برای گسترش حوزه نفوذ در جهان اسلام کوشیده است؛ این گوناگونی فرهنگی در سایه راهبرد قدرت‌های بزرگ، زمینه‌های تعارض‌های مذهبی و فرهنگی و همچنین، واگرایی را در منطقه فراهم کرده است (Ghasemi and Raknabadi-Asl, 1986:37). رقابت‌های ایدئولوژیک در بین قدرت‌های جهان اسلام همواره وجود داشته است با توجه به اینکه هسته اصلی رقابت ایدئولوژیک ناشی از تفاوت‌های مذهبی است لذا این وضعیت بر جهان تسنن و جهان تشیع همپوشانی داد. هسته جهان تشیع در ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در جهان اسلام است و یکی از قطب‌های ایدئولوژیک ایران است. از طرف دیگر هسته جهان اهل تسنن در عربستان قرار داشته و لذا این دو قدرت همواره با همدیگر تضادهای ایدئولوژیک داشته‌اند. هرچند عنصر عرب یا فارس بودن بر روابط ایران و عربستان پیش و پس از انقلاب اسلامی تأثیر داشته، اما تفاوت‌های مذهبی بر رقابت و تنش میان ایران و عربستان تأثیر جدی‌تری داشته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی این موضوع ریشه و عامل تشدید رقابت‌های ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک این دو کشور بوده است. در حال حاضر، مساله رهبری جهان اسلام از یک سو و اختلاف بر سر تفسیر اسلام تأثیرگذارترین عامل بر روابط عربستان و ایران بوده است. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحولات عراق بعد از صدام که به قدرت‌یابی شیعیان عراق انجامید، نگرانی عربستان و دیگر دولت‌های عربی منطقه بیش‌تر شد، زیرا تحولات عراق،



موقعیت شیعیان را در منطقه تقویت می‌کرد. البته جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده همواره در جهان اسلام فراتر از بحث شیعه و سنی سیاست‌های خود را تنظیم کند و وحدت اسلامی را همواره مدنظر قرار داده است؛ حمایت آرمان فلسطین و گروه‌های مقاومت ضد صهیونیستی مانند حماس نیز در همین چارچوب قابل تفسیر است. شکست و سرنگونی طالبان و رژیم بعثی عراق که به معنای حذف دو دشمن ایدئولوژیک و راهبردی ایران از نقشه سیاسی منطقه بود، نگرانی سعودی‌ها را بیش‌تر کرد. عربستان سعودی نگران اعتراضات و خیزش اقلیت شیعه خود (۱۰ تا ۱۵ درصد کل جمعیت عربستان) به ویژه پس از گسترش تحولات و انقلاب‌های مردمی در جهان اسلام است. در سایه رقابت‌های ایدئولوژیک، ریاض از اعتراضات شیعیان در داخل عربستان و کشورهای خلیج فارس به ویژه در بحرین و کویت نگران است و تحولات پس از انقلاب اسلامی ایران در منطقه سبب شد ریاض در جنگ تحمیلی کمک‌های بسیاری به رژیم صدام کند. حتی در چارچوب اوپک عربستان بر پایه اندیشه ارتجاعی وهابیت و سلفی‌گری، بارها به گونه‌ای رفتار کرده که ایران زیر فشار قرار گیرد.

از دیدگاه عربستان صدام می‌توانست در برابر آنچه خطر ایران انقلابی شمرده می‌شد، بایستد. محروم بودن از قدرت و سرکوب شدن شیعیان سبب شده رژیم‌های جهان عرب به رهبری عربستان به این باور برسند که میان این اقلیت‌ها و ایران پیوندهایی وجود دارد و ادعای دخالت ایران در انقلاب بحرین و یمن نیز از این باور سرچشمه می‌گیرد. تشدید بحران‌های ژئوکالچری در جهان اسلام تضمین‌کننده منافع قدرت‌های جهانی است و این قدرت‌ها خواستار پایدار ماندن این بحران‌ها هستند تا با تشدید تنش‌های فرهنگی زمینه را برای حضور نظامی خود در منطقه توجیه کنند و از تنش‌های قومی مذهبی موجود در راستای سازماندهی سیاسی فضای منطقه بر اساس منافع خود بهره‌برداری کنند.

رقابت و تنش بین قدرت‌های منطقه‌ای به طور کلی و تنش‌های قومی مذهبی به طور خاص راه را برای ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای تضعیف کرده و زمینه برای همگرایی را از بین می‌برد. لذا مبحث ژئوکالچر و تشدید این بحران ژئوپلیتیکی دارای اهمیت ساختاری برای منافع غرب است و از این طریق است که قدرت‌های جهانی جامعه را درگیر کرده و علی‌رغم بدست

آوردن منابع انرژی بصورت ارزان، از طریق تشدید رقابت‌های منطقه‌ای تسلیحات خود را نیز به فروش می‌رسانند.

#### ۴-۵. هیدروپلیتیک جهان اسلام و قدرت‌های جهانی

زندگی انسان همواره به آب، هوا و غذا وابسته بوده، این در حالی است که تولید غذا نیز خود به آب بستگی دارد. مدیریت صحیح منابع آب در یک کشور توسعه، امنیت و رفاه را در پی خواهد داشت و سوء مدیریت در آن با متأثر کردن ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، بی‌ثباتی را برای کشور به همراه خواهد داشت. در طی سه دهه گذشته در اثر رشد جمعیت، رشد اقتصادی و تغییرات آب و هوایی، آب به موضوعی جهانی و تنش‌زا تبدیل شده است.

ماده حیاتی آب از بعد حجم و کیفیت آسیب‌پذیر است به طوری که منابع آب محدود بوده و با پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی در اثر برداشت بی‌رویه حجم این آب‌ها در طول زمان کاهش پیدا کرده و هزینه بهره‌برداری از آن‌ها بیش‌تر خواهد شد. آب در بعد کیفی نیز بشدت آسیب‌پذیر است و تغییرات در میزان مواد تشکیل‌دهنده آن به وسیله آلاینده‌های انسان‌ساخت سبب آلودگی آن می‌شود و اثرات مخربی بر آلودگی خاک‌ها و همچنین هوا خواهد داشت در نتیجه با توجه به کمبود منابع آب، این عنصر مدیریتی کلی‌نگر و حساس را می‌طلبد. در سال ۲۰۰۰ میلادی ۳۱ کشور با جمعیتی برابر ۴۵۸ میلیون نفر با فشار کم آبی روبرو بودند که روند رو به افزایش تقاضا به گونه‌ای است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ این ارقام به ترتیب به ۴۸ کشور و ۲/۸ میلیارد نفر افزایش یابد. هم‌چنین تعداد زیادی از ۴۸ کشور یاد شده در منطقه خاورمیانه واقع شده‌اند و هسته کم آب جهان بر منطقه خاورمیانه مطابقت دارد. در مناطق خشک، از جمله در خاورمیانه که سرمنشاء ظهور تمدن‌های بزرگی مانند بین‌النهرین (میان دو رود)، ایلام و مصر و بسیاری از سلسله‌های قدیمی ایران زمین بوده، عنصر آب پیوندی قدیمی با سیاست، از سطوح خرد تا کلان داشته است.

بسیاری از نزاع‌های محلی، ملی و منطقه‌ای در خاورمیانه و از جمله ایران بر سر تقسیم و نحوه بهره‌برداری از منابع آب بوده و چگونگی تقسیم منابع آبی سبب شکل‌گیری

حکومت‌های اولیه بوده است و در نظریه‌هایی مانند دولت‌های آب‌پایه و شیوه‌ی تولید آسیایی که توسط کارل ویتفوجل<sup>۱</sup> و کارل مارکس<sup>۲</sup> ارائه شدند. ریشه شکل‌گیری مناسبات سیاسی و اجتماعی در مشرق زمین و بصورت بارز در ایران را در عنصر آب جستجو نموده‌اند. از این رو به‌رغم مفهوم‌سازی هیدروپلیتیک در غرب در دهه‌های اخیر، این مفهوم همیشه در خاورمیانه منشاء تحولات بزرگی بوده است. عنصر آب تمدن‌ساز بوده است و بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری در کنار حوضه‌های آبریز شکل گرفته است و هم‌چنین عنصر آب قابلیت فروپاشی تمدن‌ها را نیز داشته است. موارد فوق‌گویی آن است که به طور کلی زیست و پویایی فرهنگی و توسعه انسانی از مسیر اهمیت دادن به منابع آب در سطوح کلان می‌گذرد. آب با توسعه و نحوه‌ی آمایش سرزمین در ارتباط تنگاتنگ است به طوری که الگوی پنخس جمعیت و تراکم جمعیتی نیز تابعی از پراکنش منابع آب و بارش است.

آب در پایداری یک نظام سیاسی جزء پارامترهای زیربنایی و با اهمیت استراتژیک محسوب می‌شود. آب به عنوان منبع تأمین غذا و کاربرد آن در بهداشت، کشاورزی، صنعت، خدمات و به طور کلی در جریان گذران زندگی برای انسان اهمیت فراوانی دارد. شبکه آب‌های یک کشور در ایجاد وحدت ارضی یا پراکندگی آن، قدرت اقتصادی، ارتباطات، حمل و نقل و بطور کلی در توان ملی یک کشور نقش عمده‌ای دارد. منابع آب غالباً به عنوان یک مشکل امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی تلقی می‌شود. منابع آب شیرین در کشورهای حاشیه خلیج فارس وضعیت مطلوبی ندارد. تأمین آب یکی از مسائل بسیار مهم زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی در آینده کشورها خواهد بود.

کارشناسان امور آب و ژئوپلیتیسین‌ها پیش‌بینی می‌کنند در آینده نه چندان دور تنش‌ها و درگیری‌های ملی، منطقه بین‌المللی بر سر کمبود و بحران آب خواهد بود و آب نقش مهمی را در نظام ژئوپلیتیک جهانی بازی خواهد کرد. ۱۴ کشور از ۳۳ کشوری که به احتمال زیاد در سال ۲۰۴۰ با تنش کم آبی مواجه خواهند شد، در منطقه خاورمیانه واقع شده‌اند. در کشورهای

---

1.Karl August Wittfogel

2.Karl Marx

حاشیه خلیج فارس بحران و کمبود منابع آب، به عنوان یک چالش مطرح است. همه کشورهای عربی این منطقه دچار بحران کم آبی هستند. کم آبی باعث ایجاد چالش‌های اقتصادی، سیاسی و بعضاً خشونت و درگیری شده است. اقداماتی مانند خرید آب از سوی کشورهایمانند کویت از ایران، به کار بردن دستگاه آب‌های شیرین‌کن از سوی عربستان سعودی، نشان از کمبود آب در این منطقه است. در کشورهای مسلمان قاره آفریقا مانند گامبیا، اتیوپی و ... که فقر بیداد می‌کند، نبود منابع آب و کمبود آب شیرین، این کشورها را تا سال ۲۰۲۵ میلادی با چالش جدی مواجه خواهد کرد (Mahkoui, 2016: 195). آنچه در حال حاضر درون برخی کشورهای اسلامی و به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس مشاهده می‌شود حاکی از آن است که کمبود منابع آب تأثیرات زیادی بر سیاست‌گذاری‌های این کشورها داشته است. یکی از ویژگی‌های منابع آب در جهان اسلام عدم توزیع بهینه آن است به طوری که میزان بارش‌ها از پارامترهای جمعیتی تأثیر نمی‌پذیرد و علی‌رغم وجود جمعیت زیاد در جهان اسلام و خاورمیانه اما میزان بارش‌ها و منابع آب به نسبت جمعیت بسیار کمتر است و این وضعیت سرانه این کشورها را بشدت کاهش داده است.

جدول (۱): وضعیت منابع آب شیرین و جمعیت در مناطق جهان

قاره	درصد از جمعیت جهان	درصد از آب شیرین جهان
آمریکای شمالی	۸	۱۵
آمریکای جنوبی	۶	۲۶
اروپا	۱۳	۸
آفریقا	۱۳	۱۱
اقیانوسیه	۰/۵	۵
آسیا	۶۰	۳۶
خاورمیانه	۵	۱

(Source: Mokhtari Hashi; Ghaderi Hajat, 2008: 47)

از طرف دیگر جغرافیای سیاسی و مرزهای سیاسی کشورهای جهان اسلام بیشتر از نوع مرزهای تحمیلی و استعماری هستند لذا رودخانه‌های مرزی از مرزهای سیاسی گذر نکرده و بیشتر منابع آب این کشورها را حوضه‌های آبریز مشترک و رودخانه‌های مرزی مشترک

تشکیل می‌دهند. رودخانه‌های مرزی مشترک با توجه به کمبود شدید منابع آب در منطقه یکی از پارامترهای تنش‌زایی بالقوه در کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند. امکان فعال شدن بحران‌های هیدروپلیتیکی در جهان اسلام وجود دارد و نمونه بارز این بحران جنگ ۸ ساله ایران و عراق بر سر رژیم حقوقی رودخانه مرزی اروندرود بوده است. با توجه به اینکه قدرت‌های جهانی از نظر تکنولوژی مربوط به آب قوی هستند لذا این قدرت‌ها با بدست گرفتن ریسمان مدیریت آب منطقه و ایجاد پروژه‌های آبی می‌توانند بحران را تشدید کرده و زمینه را برای واگرایی و از هم‌گسیختگی فضایی و حتی جنگ در بین کشورهای اسلامی هموار سازند. این قدرت‌ها می‌توانند از طریق بحران‌های هیدروپلیتیکی جهان اسلام و با درگیر کردن کشورهای اسلامی با مسائل و مشکلات داخلی و تنش‌های بین‌کشوری ضمن بدست آوردن آسان منابع انرژی منطقه از طریق تنش‌آفرینی تسلیحات نظامی خود را به فروش برسانند.

#### ۶. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که چرخ اقتصادی قدرت‌های جهانی با منابع انرژی هیدروکربنی می‌چرخد و این قدرت‌ها برای تأمین نیازهای خود به منابع انرژی نیاز روزافزون دارند. بیش‌تر منابع انرژی جهان در منطقه خاورمیانه به‌طور اخص و جهان اسلام به‌طور اعم وجود دارد. لذا این قدرت‌ها برای دسترسی آسان به منابع انرژی در منطقه جهان اسلام در این منطقه حضور و نفوذ دارند. قدرت‌های جهانی برای جلوگیری از همکاری‌های منطقه‌ای در بین کشورهای جهان اسلام و تأمین منافع و اهداف خود، بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام اعم از بحران‌های ژئواکونومیکی، ژئوکالچر و هیدروپلیتیک را تشدید می‌کنند تا بتوانند از این طریق منابع انرژی با قیمت ارزان بدست بیاورند و همچنین با تنش‌آفرینی منطقه را به بازاری برای فروش تسلیحات خود تبدیل کنند. در جهان اسلام و بین کشورهای منطقه‌ای رقابت‌های ژئواکونومیکی وجود دارد و تأمین منافع این قدرت‌ها از طریق جلوگیری از همکاری‌های ژئواکونومیکی بین قدرت‌های منطقه‌ای تأمین می‌شود. از طرف دیگر وجود بحران‌های ژئوکالچری در جهان اسلام زمینه را برای حضور و نفوذ قدرت‌های جهانی مهیا کرده است تا

با سازماندهی سیاسی فضاهاى قومى- مذهبى تنش در منطقه را تشدید کنند. هم‌چنین مشکلات هیدروپلیتیکی در جهان اسلام مى‌تواند زمینه را برای نفوذ در پروژه‌های آبی منطقه هموار کرده تا از این طرق بتوانند کشورها را درگیر مسائل داخلی و تنش‌ها در سطوح محلی و منطقه‌ای کنند و از ایجاد همکاری و همگرایی بین کشورهای جهان اسلام جلوگیری کنند تا اهداف اقتصادی خود را به راحتی دنبال کنند.

#### ۷. قدرتدانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه تهران قدرتدانی نمایند.



## Reference

1. Agnew, John (1998). *Geopolitics*, Encyclopedia Encarta, C. D .
2. Cohen, Saul B (1994). *Geopolitics in the new world era*. Chapter 2 from reordering the world, edited by: George J. Demko and William B. Wood. Usa: Westview Press.
3. Ghasemi, Farhad; Raknabadi-Asl, Iran (1986). *Intelligent Diplomacy and Regional Convergence: The Islamic World*, *Two Quarterly Journal of Political Sociology of the Islamic World*, Volume 6, Number 1. **[In Persian]**
4. Hafeznia, Mohammad Reza (2006). *Principles and Concepts of Geopolitics*, Mashhad: Papoli Publications. **[In Persian]**
5. Hafeznia, Mohammad Reza.; Mojtahedzadeh, Pirouz; Alizadeh, Jafar (2006). *Hirmand Hydrology and its Impact on Political Relations between Iran and Afghanistan*, *Journal of Space Planning and Preparation*, No. 2. **[In Persian]**
6. Heydari, Gholamhassan (2008). *Twenty-first Century Global Geocaching System and the Position of Iran*, *Proceedings of the Islamic Republic of Iran's Security Environment*, Strategic Studies Institute Publications. **[In Persian]**
7. Luttwak, Edward (1990). *From geopolitics to geo economics: logic of conflict, Grammar of commerce. From the National Interest*. In: O Tuathail, G & other (Edit), *The Geopolitics reader*. (1998), London: Rutledge .
8. Mahkoui, Ghasem (2016). *An Analysis of the Water Crisis in Selected Islamic Countries*, *Quarterly Journal of Political Studies in the Islamic World*, No. 6, No. 22. **[In Persian]**
9. Mojtahedzadeh, Pirouz (2012). *Political Geography and Geographical Politics*, Publications samt. **[In Persian]**
10. Mokhtari Hashi, Hossein; Ghaderi Hajat, Mostafa (2008). *Middle East Hydraulics in the Horizon of 2025 Case Study: Tigris and Euphrates Basins, Jordan River Nile*, *Iranian Geopolitical Society Quarterly*, Vol. 4, No. 1. **[In Persian]**
11. Mortazavi, Khodayar; Ali Karami, Fariba (2014). *Geoeconomics of the Middle East and the Globalization of Economics* *Journal of Politics*, No. 3, Volume 44. **[In Persian]**
12. Nami, Mohammad Hassan (2011). *The Political Geography of Iranian Border Waters*, Tehran: Sohreh. Publications. **[In Persian]**
13. Nami, Mohammad Hassan; Heydaripour, Esfandiar (2011). *A New Model for Accurately Calculating the Area and Borders of the Islamic Republic of Iran*, *Journal of Geography (Regional Planning)*, Volume 2, Number 2. **[In Persian]**
14. Tuathail, Gearoid (1996). *critical Geography*, London: Rutledge .
15. [www.farahangnews.com](http://www.farahangnews.com)
16. [www.tisri.org](http://www.tisri.org)